



کرامت مولی



شیوه‌های تبلیغ انبیاء قرآن

یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست) گرمی‌ترین شما نزد خدا با تقوا ترین شماست خداوند دانا و آگاه است. این آیه شریفه ملاک امتیاز و برتری را فقط در تقوا می‌داند و بس.

یکی از خصوصیت بسیار بارز شیوه تبلیغ انبیاء الهی فقط در هدایت انسان‌ها مسأله شخصیت دادن به مردم و تفاوت طبقاتی نگذاشتن بین آنها است، که این ویژگی در مورد رسول اکرم ﷺ بیشتر به چشم می‌خورد

عده‌ای از این انسان‌های لجاج و خودخواه و متکبر به پیامبر گفتند، می‌دانی چرا ما به تو ایمان نمی‌آوریم، و رسالت تو را نمی‌پذیریم؟ برای اینکه تو آدم‌های پست و بی‌بضاعت را اطراف خود جمع کرده‌ای، اینها را از اطراف خود بران آن وقت ما به تو ایمان می‌آوریم. اما قرآن صریحاً پیش‌نهاد آنها را رد نموده به پیامبر دستور می‌دهد که هرگز آنها را از خود دور مکن؛ و "لا تظنر الذین یدعون ربهم بالغداوة والعشی بریدون وجهه ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتظنرهم فتکون من الظالمین" و کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند، و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها، که اگر آنها را طرد کنی از ستم گران گردی.

برای حضرت نوح ﷺ نیز قومی همین پیش‌نهاد را کرده بودند که اطراف تو را انسان‌های فقیر و بی‌بضاعت تشکیل می‌دهد و تو برای آنها شخصیت قائل هستی اینها را از خود بران تا ما به تو ایمان بیاوریم اما حضرت نوح فرمود: و ما أنا بطارد المؤمنین؛ و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.

رسالت‌های پروردگار ما به شما ابلاغ می‌کنم و من خبرخواه و امین برای شما هستم. این فرستاده الهی چقدر متین پاسخ می‌دهد؛ ای مردم که مرا دیوانه می‌گویید، من ناصح امین، و خیرخواهی خوب برای شما، من عزت شما و خوبی شما را می‌خواهم، من می‌خواهم شما به سعادت و سربلندی برسید، اما شما این‌گونه با من برخورد می‌نمایید. من با نادیده گرفتن بدی‌های شما به هدایت شما ادامه می‌دهم تا شما را خوش‌بخت نمایم هدف و مرام من فقط همین است.

این برخوردهای زیبا و مؤدبانه را غیر از انبیاء الهی از کسانی دیگر نمی‌شود انتظار داشت. در برخورد اکثر انبیاء الهی با اقوامشان این نمونه‌ها مشاهده می‌شود که مردم به آنها انواع تهمت می‌زدند و آن بزرگواران با مهر و محبت و رفق و مدارا آنها را هدایت می‌کردند.

6. شخصیت دادن به انسان‌ها

یکی از خصوصیت بسیار بارز شیوه تبلیغ انبیاء الهی فقط در هدایت انسان‌ها مسأله شخصیت دادن به مردم و تفاوت طبقاتی نگذاشتن بین آنها است، که این ویژگی در مورد رسول اکرم ﷺ بیشتر به چشم می‌خورد، در دوران جاهلیت یک زندگی طبقاتی عجیبی بر جامعه جاهلیت حکومت می‌کرد.

گویی اصلاً فقرا انسان نبودند تا چه رسد به غلامان و بردگان؛ اعیان و اشراف به تعبیر قرآن (املاً)، خودشان را صاحب اختیار و مستحق همه چیز می‌دانستند، و به دیگران همیشه توهین نموده و آنها را آدم به حساب نمی‌آوردند. ولی رسول خدا ﷺ آمد و با کتاب آسمانی‌اش روی امتیازات خود ساختگی و بی‌اساس آنها خط بطلان کشیده و پیام خدا را رساند: "یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنا إکرمکم عندالله اتقاکم إنا لله علیم خبیر" ای مردم ما شما را از

در قسمت اول مقاله شیوه‌های تبلیغ انبیاء قرآن با بحث بشارت و انذار پادآوری نعمت‌های الهی بصیرت و آگاهی دادن و بیداری وجدان مورد بررسی قرار گرفته است.

5. رفق و مدارا

یکی از شیوه‌های تعلیم و تربیت انبیاء الهی رفق و مدارا با مردم بوده است. رفق در لغت، در مجمع‌البحرین آمده است؛ والرفق ضد الخرف و هو ان یحسن الرجل العمل.

ولی در اصطلاح، رفق و مدارا به معنای نرمی، ملاطفت، مهربانی، ملایمت، و... در گفتار و رفتار می‌باشد.

از زیبایی یک مبلغ دینی و از عوامل مهم موفقیت در کار تعلیم و تبلیغ، محبت و مهربانی، و برخورد نیکو، آسان گفتن و آسان گرفتن می‌باشد.

خداوند به حضرت پیامبر دستور می‌دهد: أمرنی ربی بمداواة الناس کما أمرنی بأداء الفرائض؛ پروردگارم همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.

وقتی احوال پیامبران را بررسی می‌کنیم می‌بینیم بهترین برخورد و مؤدبانه‌ترین گفتار را از خود نشان می‌دادند، مخالفان به حضرت شعیب علیه السلام می‌گویند: «إنا لنراک فی سفاة و إنا لنظنک من الکاذبین».

اشراف کافر قوم او گفتند، ما تو را در سفاقت و بی‌خردی می‌بینیم و ما مسلماً تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم.

ولی او مقابلش به مثل نمی‌کند و با بزرگواری به آنها جواب می‌گوید: یا قوم لیس بی سفاة و لکنی رسول من رب العالمین أبلغکم رسالات ربی و أنا لکم ناصح امین؛ ای قوم من، هیچ‌گونه سفاقتی در من نیست ولی فرستاده از طرف پروردگار جهانم

اکثر ازدواج‌های حضرت پیامبر ﷺ نیز شخصیت دادن به زن و احترام به آنها و اقوام آنها بوده است، در حالات رسول خدا ﷺ آمده است که آن حضرت هیچ کس را با اسمش صدا نمی‌زد، بلکه به عنوان احترام و شخصیت دادن به او، با کنیه و فامیل صدا می‌کرد، به اصحاب نیز دستور می‌داد هر گز دیگران را تحقیر ننمایند. می‌فرمود: لا تحقرن احدا من المسلمين فان صغیرهم عند الله کبیر؛ احدی از مسلمانان را خوار و کوچک نشمارید، که کوچک آنها نزد خدا بزرگ است.

۷. کادر سازی

یکی از شیوه‌های تبلیغ پیامبران الهی ﷺ کادر سازی بوده است، به این معنی که اول زمینه‌سازی نموده و افراد خاصی را جهت پیش‌برد اهداف‌شان تربیت می‌نموده‌اند، و با افراد و یا گروه‌های خاصی مخفیانه ارتباط برقرار می‌نمودند، در واقع گروه پیش‌تازان حرکت توحیدی را سامان می‌دادند تا پشتوانه محکمی در مقابل مشرکین و منحرفین در روز میاد داشته باشند، و ثمرات تبلیغی زیادی از این طریق نصیب‌شان می‌گردید.

از این جهت است که حضرت موسی ﷺ وقتی به پیامبری مبعوث می‌شود و با توجه به شناختی که از وضعیت خود و قومش فرعونیان دارد خواهان پشتیبانی و همراهی هارون می‌شود حتی مقام نبوت را از خداوند برایش درخواست می‌کند تا با کمک او به اهدافش برسد، می‌فرماید: و اجعل لی وزیرا من اهلی هارون و اخی اشد به ازری و اشرکه فی امری؛ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده برادرم هارون را با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز.

خداوند متعال این درخواست حضرت موسی ﷺ را پذیرفت و به او فرمود: قال قد اوتیت بیؤلک یا موسی و لقد متنا علیک مرة اخرى ای موسی آنچه را خواستی به تو داده شد، و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم.

حضرت عیسی ﷺ نیز به این منظور شاگردانی را به نام حواریون تربیت نمود، و از موقعیت مناسب جهت پیش‌برد اهدافش از آنها استفاده کرده به نتیجه‌ای مطلوب نیز دست

یافت. قال عیسی ابن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله فامنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فایدنا الذین امنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین؛ عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران خدایم در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز مدت سه سال تمام به دعوت سری پرداخت و در این مدت به جای توجه به عموم مردم به فردسازی عنایت نمود، مصالح وقت ایجاب می‌نمود که دعوت خود را آشکار نسازد، بلکه با تماس‌های سری و پنهانی گروهی را به آیین خود دعوت نماید، لذا در این مدت هر کسی را که از نظر فکر و استعداد شایسته و آماده می‌دید، دین خود را بر او عرضه می‌داشت، با اینکه هدف آن حضرت تشکیل دادن دولت بزرگ جهانی در زیر یک پرچم (پرچم توحید) بود، ولی در ظرف این سه سال ابتدا دست به دعوت عمومی نزد فقط با افراد خاصی تماس‌های عمومی برقرار می‌نمود، و در این مدت توانست گروهی را تحت پیروی خود قرار داده هسته اصلی و مرکزی حکومت خود را آماده نماید.

پیامبران الهی با بهره‌گیری از عالم وحی از رمز و راز این قوانین، آگاه بوده و انسان‌ها را از آثار و نتایج اعمال و رفتارشان باخبر می‌نمودند تا از این طریق مردم را از هلاکت نجات داده هدایت نمایند.

۸. بیان آثار و نتایج

یکی از شیوه‌های تبلیغ انبیا الهی ﷺ بیان آثار و نتایج اعمال و رفتار انسان‌ها بوده است. به عبارت دیگر از نظر جهان‌بینی اسلامی یک سلسله قوانینی در جهان هستی وجود دارد که با حیات انسان‌ها مرتبط است، و اعمالی که انسان انجام می‌دهد، در عالم تأثیر گذارده و موجب عکس‌العمل‌هایی می‌شود.

اگر اعمال انسان خوب و مثبت باشد، موجب یک سلسله عکس‌العمل‌های خوب و پاداش‌های نیکو از ناحیه مبدأ هستی در زندگی افراد خواهد شد. اگر اعمال انسان منفی و ظلم و فساد و بی‌عدالتی، دروغ، فریب و... باشد، جهان هستی واکنش منفی از خود نشان داده و آثار نامطلوبی بر جا خواهد ماند.

از این رو پیامبران الهی با بهره‌گیری از عالم وحی از رمز و راز این قوانین، آگاه بوده و انسان‌ها را از آثار و نتایج اعمال و رفتارشان باخبر می‌نمودند تا از این طریق مردم را از هلاکت نجات داده هدایت نمایند.

قرآن کریم در آیات زیادی به این اصل اشاره نموده و می‌فرماید: و لو ان القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛ اگر اهل شهر و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. امیرالمؤمنین علی ﷺ هنگامی که از خدا درخواست باران می‌نماید، می‌فرماید: ولا تؤاخذنا بما فعل السفهاء منا یا ارحم الراحمین؛ و با اعمال زشتی که بی‌خردان ما انجام دادند ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوند می‌فرماید: لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم لان عذابی لشدید؛ اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود، اگر ناسپاسی کنید مجازاتم شدید است. از آنجایی که اعمال خوب و بد زیاد و آثار و نتایج آن بی‌شمار است، و این مقاله گنجایش بحث گسترده از تمام موضوعات آن را ندارد، لذا به حدیث‌های اکتفا می‌نمایم.

۱. مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۱۲۱، واره رفق.
۲. لغتنامه دهخدا، واره رفق و مدار.
۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۵۴، باب مدارک محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، انتشارات اسود.
۴. اعراف، ۶۶.
۵. اعراف، ۶۷-۶۸.
۶. حجرات، ۱۳.
۷. التاع، ۵۲.
۸. شعراء، ۱۱۴.
۹. مجموعه ورام، ورام بن اسی قرطی، مکتبه الفقهیه، ق ۱، ج ۱، ص ۳۱.
۱۰. طه، ۲۹، ۳۲.
۱۱. طه، ۶، ۲۷.
۱۲. صف، ۱۴.
۱۳. اعراف، ۹۶.
۱۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۲.
۱۵. ابراهیم، ۷.